

**analyzing the achievements of strengthening the internal
educational system of the Fatimids in Egypt (562-362) in
advancing their foreign goals**

*Razieh Ansari*¹ | *Mohammad Ali chelongar*² | *Fereydoun Al-Hayari*³

Received: 2020/11/03 | Accepted: 2021/01/18

(DOI): [10.22034/MTE.2021.5309](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.5309)

(DOR): [20.1001.1.23832134.1400.9.17.3.7](https://orcid.org/20.1001.1.23832134.1400.9.17.3.7)

Original Article

P55 - 78

Abstract

The Fatimid Caliphate, which was always seeking to develop its religious and political sovereignty over all Islamic lands and to expand its views and ideas outside its territory, especially in the eastern part of the Islamic world, had a great effort to strengthen the educational system within its territory. One of the actions of the Fatimid caliphate was creating scientific and ideological open-mindedness in society. In this article, an attempt has been made to deal with the descriptive-analytical method to the issue of what achievements these actions have brought in advancing the political-religious goals of the Fatimids outside the territory. The results of this study show that this improvement in the level of education has had many achievements, which can be mentioned as follows:

Attracting the scholars from other lands and improving cultural position of the Fatimid Caliphate in the Islamic world, 2- Introducing the scientific community of the Islamic world to Ismaili culture and religion, 3- Familiarizing the Fatimid missionaries with the cultural and intellectual needs of different societies before Mission and 4- Training and teaching specialized and responsible missionaries in order to operate outside the territory.

Keywords: Ismailis, foreign scholars, Abbasids, Fatimids, Egypt.

¹ - PhD student in Islamic History, University of Isfahan; Ansari_raziye@yahoo.com

² - University Professor of history department at University of Isfahan M.chelongar@ltr.ui.ac.ir

³ - Professor, Department of History, Faculty of Literature, University of Isfahan F.allahyari@ltr.ui.ac.ir



تبیین و تحلیل دستاوردهای تقویت نظام آموزشی داخلی فاطمیان مصر (۳۶۲-۵۶۷) در پیشبرد اهداف خارجی آنان

راضیه انصاری^۱ | محمدعلی چلونگر (نویسنده مسئول)^۲ | فریدون الهیاری^۳

[10.22034/MTE.2021.5309](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.5309): (DOI)

[20.1001.1.23832134.1400.9.17.3.7](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.5309): (DOR)

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۳، تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۹

علمی - پژوهشی

چکیده

خلافت فاطمی که همواره در پی توسعه سیادت دینی و سیاسی خود بر همه سرزمین‌های اسلامی و بسط نظرگاه‌ها و اندیشه‌هایش در خارج از قلمرو، به ویژه در شرق جهان اسلام بود، درون قلمرو خود اهتمام بسیاری به تقویت نظام آموزشی داشت. به این منظور، تأسیس مراکز آموزشی فراگیر، تأمین تسهیلات آموزشی و رفاهی برای اساتید و طلاب، جذب و استخدام علما و اساتید برجسته، ایجاد جو آزاداندیشی علمی و عقیدتی در مراکز آموزشی خود، از جمله اقدامات خلافت فاطمی بود. در این نوشتار تلاش شده با روش توصیفی-تحلیلی به این مسئله پرداخته شود که این اقدامات چه دستاوردهایی در پیشبرد اهداف سیاسی-مذهبی فاطمیان خارج از قلمرو، به ارمغان آورد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این بهبود سطح آموزشی دستاوردهای فراوانی داشته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- جذب طالبان علم از سایر سرزمین‌ها و بالا بردن جایگاه فرهنگی خلافت فاطمی در سطح جهان اسلام،
 - ۲- آشنا نمودن جامعه علمی جهان اسلام با فرهنگ و آئین اسماعیلی،
 - ۳- آشنایی مبلغان فاطمی با نیازهای فرهنگی و فکری جوامع مختلف پیش از اعزام به مأموریت و
 - ۴- تربیت و آموزش داعیان متخصص و متعهد به منظور فعالیت در خارج از قلمرو.
- واژگان کلیدی:** اسماعیلیان، طلاب خارجی، عباسیان، فاطمیان، مصر.

^۱ . دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان؛ Ansari_raziye@yahoo.com

^۲ . استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ M.chelongar@ltr.ui.ac.ir

^۳ . استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان؛ F.allahyari@ltr.ui.ac.ir



مقدمه

خلافت فاطمی با ورود به مصر علاوه بر تلاش برای جامعه‌پذیری سیاسی و مذهبی مصریان مطابق دیدگاه‌های خود، در صدد برآمد تا سلطه سیاسی و دینی خود را بر شرق جهان اسلام اعمال کرده و با قرار دادن خود بر مسند عباسیان، به‌عنوان تنها خلیفگان مشروع جهان اسلام شناخته شود. بهبود نظام آموزش یکی از اموری بود که این خلافت تلاش نمود تا از طریق آن ارزش‌ها، عقاید و تمایلات خود را به افراد و گروه‌های جدیدی در جوامع مختلف به‌ویژه در خارج از قلمرو حکومتی انتقال دهد و نهادینه کند. چراکه تقویت نظام آموزشی داخلی می‌توانست ابزاری را برای مواجهه و مقابله با دشمن خارجی در اختیار آنان بگذارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

در پژوهش‌هایی که در حوزه آموزش فاطمیان صورت گرفته، بیشترین توجه به مراکز آموزشی و معرفی آنان بوده است. پایان‌نامه خانم نرگس ملک با عنوان «بررسی ساختار و کارکرد سازمان آموزشی فاطمیان در مصر» در دانشگاه الزهراء، مراکز آموزشی فاطمیان را برشمرده و به ساختار و کارکرد آنها پرداخته است. در حوزه مقالات نیز می‌توان به مقاله خانم فاطمه جان احمدی و صفورا سالاریه با عنوان «سیاست علمی و فرهنگی فاطمیان در مصر» اشاره کرد که در آن نهادها و مؤسسات آموزشی عصر فاطمی از جمله مسجد، قصر، منازل علما، کتابخانه، مدارس و ... را معرفی می‌کنند. همچنین مقاله آقای مهدی فرمانیان و حمزه علی بهرامی با عنوان «اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان» که در آن نگارنده مراکز آموزشی فاطمیان را به صورت مساجد، قصرها و خانه وزیران، دارالعلم و مجالس الحکمه تقسیم نموده و به طور جداگانه به اهداف و کارکرد هر کدام می‌پردازد. همچنین مقالات فراوان دیگری مراکز آموزشی فاطمیان به ویژه الازهر و دارالعلم را به طور جدا بررسی می‌کنند؛ مقاله آقای محمدعلی چلونگر با عنوان «پژوهشی درباره دارالعلم قاهره» و یا مقاله «الازهر فی ظل الفاطمیین: دراسة فی تراثه الفنی و الثقافی» از رمزیة الأطقجی و یا پایان‌نامه «بررسی تاریخی و تطبیقی دانشگاه الازهر و نظامیه‌ها در قرن چهارم و پنجم هجری» از علیرضا هدایتی در دانشگاه تهران از جمله این مقالات هستند. با این حال در هیچ کدام از پژوهش‌های صورت‌گرفته به دستاوردهایی که این مراکز آموزشی در حوزه آموزش برای فاطمیان داشته، توجه نشده و در این زمینه تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

تقویت نظام آموزشی

الف. تأسیس مراکز آموزشی فراگیر

فاطمیان به محض ورود خود به مصر در سال ۳۵۹، جامع الازهر را بنیان نهادند. این نهاد فعالیت آموزشی خود را در سال ۳۶۵ توسط قاضی علی بن نعمان و با کتاب/الاقتصار در فقه، آغاز کرد. (مقریزی، ۱۴۱۸: ۴/۵۲ و ۴۶۱؛ همو، ۱۴۱۶: ۱/۲۲۷) در آغاز تنها با ۳۵ فقیه به مسائل فقهی اختصاص داشت (مقریزی، ۱۴۱۸: ۴/۵۲) و به پیشنهاد وزیر یعقوب بن کلس به یک جامع همگانی تبدیل شد که علوم مختلف عقلی و نقلی در آن تدریس می‌شد. (رزق الله ایوب، ۱۹۹۷: ۱۵۰) حضور عموم از نژاد و جنس و مذاهب مختلف در آن آزاد بود. (عطاالله، بی تا: ۱۱۵). علاوه بر الازهر می‌توان به دارالعلم الحاکم اشاره نمود. الحاکم بامرالله از طریق داعیان خود که در عراق فعالیت داشتند (حمیدالدین کرمانی) اطلاعات دقیقی از مراکز آموزشی قلمرو عباسی همچون بیت‌الحکمه مأمون (العش، ۱۳۷۲: ۹۶) و یا دارالعلم شاپور بن اردشیر، وزیر بهاءالدوله بویه در کرخ، بدست آورده بود. وی در قلمرو حکومتی خویش به شیوه سخاوتمندانه‌تری دارالعلم را بنیان نهاد. ساخت این دارالعلم در ۳۹۵ هجری قمری، تنها دوازده سال پس از تأسیس دارالعلم شاپور در ۳۸۳ (ابن جوزی، ۱۴/۳۶۶)، خود بیانگر نظارت خلفای فاطمی بر مراکز علمی - آموزشی رقیبان خود است. از این رو الحاکم نهایت تلاش خود را در بنای این مؤسسه به کار برد (العش، ۱۳۷۲: ۱۰۰) تا این مرکز را نسبت به نهادهای آموزشی موجود در قلمرو خلافت عباسی، بسیار غنی‌تر و جامع‌تر تأسیس کند و موفق نیز شد؛ برای نمونه بیت‌الحکمه عباسی بیشتر کتابخانه و موسسه‌ای برای ترجمه بود؛ در حالی که دارالعلم فاطمی یک مؤسسه علمی جامع محسوب می‌شد. (هالم، ۱۳۷۷: ۹۳).

ب. تأمین تسهیلات آموزشی - رفاهی برای اساتید و طلاب

زمان خلافت عزیزالله فاطمی و وزارت یعقوب بن کلس در جامع الازهر برای فقهای که در آن حاضر شدند، مستمری برقرار شد. (قلقشندی، بی تا: ۳/۴۱۴؛ مقریزی، ۱۴۱۸: ۴/۵۲). فاطمیان علاوه بر مستمری در سال ۳۷۸ ه.ق، با تأسیس رواق‌هایی در کنار این جامع، محلی نیز برای سکونت این فقیهان فراهم کردند و ارزاق کافی نیز برای هر کدام از آنها در نظر گرفته شد. این نخستین رواق‌هایی بود که در الازهر ساخته شد (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۴۱) و

آغاز ساخت رواق‌هایی گسترده‌تر در مراکز آموزشی فاطمیان بود؛ به طوری که در عصر الحاکم تعداد این رواق‌ها به سی و شش رواق افزایش یافت. هر کدام از این رواق‌ها مخصوص گروهی از طلاب بود. مثل رواق صاعیده برای طلاب فقه مالکی، رواق حنفیه، رواق حنبله، رواق حریمین برای مردم مکه و مدینه، رواق جاوه برای مردم جزایر هند شرقی، رواق سلیمانیه برای مردم افغانستان و خراسان، رواق مغاربه برای مردم شمال آفریقا، رواق برنادیه برای مردم برنئو، رواق جبرت برای مردم سواحل سومالی، رواق یمن برای مردم بلاد غربی، رواق اکراد، رواق هنود، رواق بغدادیان و ... (رشاد، ۱۳۷۳: ۳/۲۰۰) علاوه بر امکانات رفاهی یادشده، تسهیلات آموزشی همچون کتابخانه‌هایی غنی از دیگر اقدامات فاطمیان محسوب می‌شد. عزیزالله فاطمی هزینه بسیاری را برای گردآوری کتاب از اقصا نقاط در نظر گرفته بود و گاه تلاش می‌نمود تا با خریداری همه نسخه‌های موجود از یک منبع، آن را به انحصار کتابخانه خود درآورده و جویندگان آن را به سمت قاهره بکشاند؛ به طوری که اگر از یک کتاب صد نسخه یا بیشتر بود همه را خریداری می‌کرد. خرید نسخه‌های فراوان از یک کتاب چنان پیش رفت که در موقع استیلای صلاح الدین ایوبی بر مصر، ۱۲۰۰ نسخه تاریخ طبری در کتابخانه فاطمیان بود. (جرجی زیدان، ۱۹۲۶: ۳/۲۰۸)

کتابخانه‌ای که الحاکم فاطمی تأسیس کرد، در عصر خود بزرگترین کتابخانه دنیای اسلام بود و یکی از عجایب جهان به شمار می‌رفت که در دربار هیچ پادشاهی شبیه به آن وجود نداشت. (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹) علاوه بر فراهم آوردن منابع و کتب فراوان و بی‌نظیر در علوم مختلف، دیگر امکانات آموزشی از قبیل قلم و کاغذ و مرکب و دوات برای مراجعه کنندگان فراهم بود. (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹)

تقویت تسهیلات آموزشی و بنیه علمی پایتخت فاطمی توسط افراد برجسته این حکومت نیز به شدت دنبال می‌شد. یعقوب بن کلس در منزل خود کتابخانه‌ای غنی داشت (ابن خلکان، بی تا: ۲۹/۷؛ غالب، ۱۵۸) و امکانات رفاهی همچون محل استراحت برای افراد غریب و مسجد و امام جماعت برای نماز جماعت (ابن خلکان، بی تا: ۲۹/۷)، و آشپزخانه‌ای جدا برای آماده نمودن غذای مراجعین فراهم کرده بود. (ابن خلکان، بی تا: ۷/۲۹) تمامی این امور با نظارت خلیفه فاطمی بود. (طرازی، بی تا: ۱/۷۲۰) افضل بن - بدرالجمالی نیز علاوه بر گردآوری کتاب و تهیه کتابخانه‌ای ۵۰۰ هزار جلدی در منزل خود (مقریزی، ۱۴۱۶: ۳/۷۰)، از خروج کتاب از پایتخت فاطمی جلوگیری می‌کرد. به طوری که

از اقدام افرائیم بن الزفان، پزشک معروف دربار فاطمی، که قصد فروش ده هزار جلد از کتابخانه بیست هزار جلدی اش (ابن ابی اصیبعه، ۲۰۰۱: ۳/۴۲۲) را به یک فرد عراقی داشت، جلوگیری کرد و خود شخصاً آنان را خرید و به کتابخانه اش انتقال داد. (ابن ابی اصیبعه، ۲۰۰۱: ۳/۴۲۱-۴۲۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۲/۳۰۲)

ج. جذب و استخدام علما و اساتید مطرح

فاطمیان برای غنای بیشتر مراکز خود از برخی دانشمندان برجسته برای حضور در مرکز خود دعوت نمودند. هر چند گاه دعوت آنان از نخبگان برجسته با شکست مواجه می شد؛ مانند تلاش عزیز فاطمی برای جذب جبرئیل بن بختیشوع (قفطی، ۱۳۷۱: ۲۰۹) برای حضور در دربار فاطمی یا تلاش الحاکم برای جذب ابوالعلا معری (۴۴۹ هـ) از ادیبان و شاعرانی که در شمال شام می زیست. (ابن خلکان، بی تا: ۱/۱۱۳-۱۱۵) با این حال فاطمیان از دعوت و جذب دیگر عالمان مشهور و تکریم آنان باز نمی ایستادند. نیز می توان به علی بن عبدالرحمن بن یونس (۱۰۰۹/۳۹۹) که از برجسته ترین محققین علم نجوم در روزگار خود بود، اشاره کرد. وی در آن زمان اثر نجومی فوق العاده خود را به عنوان ذیح الحاکمی تقدیم الحاکم فاطمی نمود. (ابن خلکان، بی تا: ۱/۳۱۹-۳۲۰)

علاوه بر این می توان به دعوت الحاکم از عبدالغنی بن سعید، فقیه بزرگ شافعی و بزرگترین حافظ حدیث برای تدریس در دارالعلم (ابن خلکان، بی تا: ۱/۳۷۲) و از اسامه جناده بن محمد، عالم لغت و ابوالحسن علی بن سلیمان مقری، نحوی بزرگ اشاره کرد که با حضور در دارالعلم به بحث و گفتگو می پرداختند. (ابن خلکان، بی تا: ۱/۳۷۲)

د. ایجاد جو آزاداندیشی علمی و عقیدتی در مراکز آموزشی

در شرایطی که در قلمرو خلافت عباسی، دین و فلسفه در مقابل هم قرار داشت و علوم عقلی و فلسفه را تهدیدی بر علیه خود می دانستند و به شدت با آن مقابله می کردند، فاطمیان به جمع میان دین و فلسفه پرداختند؛ به طوری که ناصر خسرو در جامع الحکمتین می نویسد: «علم دین حق را - که آن از نتایج روح القدس است - با علم آفرینش - که آن از علایق فلسفه است - جمع توانست کردن». (ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۱۶) برای یک داعی اسماعیلی تحصیل همه علوم به ویژه علوم عقلی و فلسفه و منطق و ... ضروری بود. (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۳۷-۱۳۹) پرداختن به کلام و فلسفه و آموزش آن به مخاطبین

۶. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۰

از جمله مراحل دعوت اسماعیلی محسوب می‌شد. (مقریزی، ۱۴۱۸/۱۹۹۸: ۲/۲۶۶). از این رو علوم عقلی و فلسفه و کلام برای آنان جایگاه ویژه‌ای داشته و در مراکز آموزشی خود نیز بدان اهتمام داشتند.

در مراکز آموزشی فاطمیان دانشمندان علوم مختلف از جمله فقها، منجمین، اصحاب نحو و لغت، اطبا و قاریان و دیگر دانشمندان... به این مرکز علمی دعوت می‌شدند؛ (النوبری، ۱۹۹۲/۱۴۱۲: ۲۸/۱۷۹؛ مقریزی، ۱۴۱۸/۱۹۹۸: ۲/۳۷۹) بدون آنکه به مذهب و آیین آنها توجهی شود، آنان می‌توانستند در موارد مختلف به بحث و گفتگو پردازند و هرکس در زمینه رشته اختصاصی خود با دیگری مناظره کند (مقریزی، ۱۴۱۸/۱۹۹۸: ۲/۳۸۰) و محدودیتی در مباحثه علمی نداشتند.

تدریس علوم اهل سنت در کنار علوم شیعه در دارالحکمه که دانشگاهی با مذهب فاطمی بود، آزاد بود (خفاجی، ۱۴۰۸/۱۹۸۸: ۵۶). علاوه بر آزادی عموم مردم از هر فرقه و مذهب و نژاد برای حضور در این مراکز، خود فاطمیان از دانشمندان مذاهب اهل سنت برای مناظره و تدریس در نهاد آموزشی، دعوت به عمل می‌آوردند. (ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۵/۱۷۵؛ مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹)

اشعار زیر از عماره یمنی شاهدهی گویا بر آزاداندیشی مذهبی خلفای فاطمی است:
و ما خصصتم بئر اهل ملتکم حتی عممتم به الأقصى من الملل
(مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۴۴۶)

خیرات و مبرات خود را تنها به هم‌کیشان خود اختصاص ندادید
بلکه آن را شامل دور افتاده‌ترین پیروان دیگر ادیان نیز ساختید. (مقریزی، ۱۳۹۷: ۴/۵۹۳)

دستاوردهای تقویت نظام آموزشی فاطمیان

همان طور که پیش از این بیان شد چشم‌انداز خلافت فاطمی سیطره بر جهان اسلام به‌عنوان تنها حاکمیت و خلافت مشروع بود که آنها را در مصاف با جامعه اهل سنت و خلافت عباسی قرار می‌داد. لذا تمامی فعالیت‌های این حکومت در جهت نیل به این هدف و مقابله و مواجهه با موانع آن برنامه‌ریزی می‌شد. تقویت نظام آموزشی داخلی نیز می‌توانست امتیازات و شرایطی را فراهم کند که فاطمیان را در نزدیک شدن به اهداف خود کمک نماید.

از جمله:

۱. جذب طالبان علم از سایر سرزمین‌ها و بهبود جایگاه فرهنگی خلافت فاطمی در جهان اسلام

خلافت فاطمی با تقویت سیستم آموزشی خود علاوه بر کسب وجهه و اعتبار و معرفی خود به عنوان قدرتی اثرگذار در جهان اسلام، می‌توانست به جذب طالبان علم و نخبگان برجسته جهان اسلام به درون سرزمین خود نائل آید. بدین روش خلافت فاطمی را به پایتخت علم و فرهنگ در جهان اسلام تبدیل کند تا در برابر رقیبان خود، به ویژه خلافت عباسی عرض اندام کرده و اهداف خود را پیش ببرد.

امروزه در حوزه آموزش عالی نیز جذب دانشجویان سایر ملل از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به طوری که از مهمترین مؤلفه‌های بین‌المللی شدن^۱ دانشگاه‌ها محسوب می‌شود و در بالا رفتن جایگاه این مراکز میان دیگر مراکز آموزشی سراسر جهان اثرگذار است و دانشگاه‌ها برای پیشتاز بودن در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی و بهتر شدن کیفیت خود در جامعه جهانی، به جنبه بین‌المللی توجه ویژه‌ای دارند.

پژوهشگران اثرات مثبت جذب دانشجویان خارجی و بین‌المللی شدن آموزش عالی را در چهار قلمرو سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی بر شمرده‌اند. (ذاکر صالحی، ۱۳۹۵: ۱۲) به یقین، رسیدن به این امتیازات مثبت، از طریق جذب طلاب و دانشجویان خارجی به مراکز آموزشی، زمانی میسر می‌شود که فرایند جذب با موفقیت صورت گرفته و این مراکز طلاب زیادی را از سرزمین‌های مختلف در خود جای دهند. امروزه نظریه‌های فراوانی در حوزه مهاجرت دانشجویان و نخبگان علمی به کشوری دیگر مطرح شده است؛ مانند نظریه کشش و رانش دورتی توماس که به دفع افراد به وسیله‌ی عواملی در مبداء و جذب آنها با عواملی دیگر در مقصد تأکید دارد. (جعفری معطر، ۱۳۸۷: ۳۹) همچنین نظریه اورت سی. لی است که به «تئوری عوامل دافعه و جاذبه» معروف است. وی نیز در نظریه‌ی خود، به عوامل موجود در مبداء (برانگیزنده و یا بازدارنده) و عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و یا

^۱ . تعریفی که «نایت»، یکی از صاحب‌نظران برجسته حوزه آموزش عالی، از بین‌المللی شدن ارائه می‌دهد از این قرار است: «فرآیند تلفیق بعد بین‌المللی، بین فرهنگی یا جهانی در اهداف، کارکردها یا نحوه ارائه آموزش یک مؤسسه» (Knight J. ۲۰۰۴.p. ۹).

بازدارنده) تأکید می‌کند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۵: ۳۶). حال پژوهشگران عوامل جاذبه‌ی نخبگان و طلاب خارجی را برای انتخاب کشور مقصد، مواردی همچون زبان آموزشی دانشگاه‌ها، هزینه زندگی و شهریه تحصیلی، سیاست‌های مهاجرتی، شهرت علمی دانشگاه‌ها، نزدیکی جغرافیایی و ... می‌دانند. (ذاکر صالحی، ۱۳۹۵: ۳۶)

حال می‌توان تسهیلات و جو آموزشی‌ای که خلافت فاطمی در قلمرو خود فراهم دیده بود را، عوامل جذب‌کننده برای طلاب آن عصر برشمرد. خلفای فاطمی تلاش می‌کردند تا با آگاهی از مراکز آموزشی بلاد اسلامی، تسهیلات و امکانات آنان و سطح علمی و آموزشی این مراکز، در رقابت با آنان مراکز را تأسیس کنند که دارای شرایط مناسب‌تری برای تحصیل و تدریس باشد که این اقدام علاوه بر بالابردن سطح دانش و فرهنگ پیروان خود موجب کشش و جاذبه بیشتری برای طالبان علم می‌شد. ساخت مراکز چون الازهر که با برنامه‌ای جامع به صورت یک دانشگاه همگانی درآمدی بود و علوم مختلف عقلی و نقلی در آن تدریس می‌شد (رزق الله ایوب، ۱۹۹۷: ۱۵۰)، به این منظور بود که بتواند طلاب بیشتری را به خود جذب کند. (داج، ۱۳۶۷: ۱۳) به طوری که با وجود قدرت گرفتن جریان دعوت در این نهاد آموزشی، باز آزادی در تدریس علوم را داشت. (خفاجی، ۱۴۰۸: ۵۶) ورود برای هر طالب علم مسلمان از شرق و غرب دنیای اسلام آزاد بود. (خفاجی، ۱۴۰۸: ۵۴-۵۵) بنابراین الازهر می‌توانست مقصد جذابی برای این طلاب باشد؛ چراکه در آن دوره بهترین نمونه برای آموزش آزاد بود که دره‌ایش را به سوی فقیران بدون تفاوتی در رنگ و نژاد و جنس باز کرده بود. (عطالله، بی تا: ۱۱۵) همچنین درالعلم الحاکم که در زمان خود در قلمرو اسلامی بی‌نظیر بوده (رزق الله ایوب، ۱۹۹۷: ۱۷۱) و شهرت و اعتبار فراوانی برای قاهره به ارمغان آورد. (داج، ۱۳۶۷: ۲۵) چراکه از دانشمندان علوم و مذاهب مختلف عقلی و نقلی به این مرکز علمی دعوت به عمل آمد. (مقریزی، ۱۴۱۸: ۴/۱۶۴؛ النویری، ۱۴۱۲: ۲۸/۱۷۹) آزادی تحصیل و تدریس آنان در این مرکز، گاه با حضور شخص خلیفه در این کلاس‌ها، همچون حضور الحاکم در کلاس ابوبکر انطاکی (ابن تغری بردی، بی تا: ۴/۲۲۲) و همچنین اجتماع روش فکران از هر عقیده‌ای برای بحث و گفتگو در این مرکز (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۸۰) همراه بود؛ به طوری که علاوه بر پرداختن به علوم عقلی و فلسفی، تدریس علوم اهل سنت نیز در آن آزاد بود. (ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۵/۱۷۵؛ مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹) در

شرایطی که در قلمرو خلافت عباسی، اجبار حاکمیت برای پذیرش مذهبی که خود پیرو آن بود، همواره نمود داشت؛ یعنی همان سیاستی که فاطمیان در مغرب پیش گرفته بودند و موجب زوال آنان در آن سرزمین شد. عباسیان نیز از زمانی که مأمون به حمایت از معتزله اهل حدیث را تحت فشار قرار داد و عصر محنه را رقم زد، به حمایت از اهل حدیث شروع به تعقیب و آزار معتزلیان و عقل‌گرایان نمود و فرمان به ممنوعیت مباحثه و مجادله در دین داد. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۴) پس از ایشان نیز این روند به جز دوران حکومت آل بویه از جانب خلفای عباسی ادامه داشت و آنان با عقل‌گرایان و حکما و فلاسفه به شدت مقابله می‌کردند. دستگیری فیلسوف مشهور الرکن عبدالسلام بن جنکی به اتهام کفر و سوزاندن کتب فلسفی ایشان به دستور ناصر، خلیفه عباسی، از این دست بود. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/۳۰۵؛ ابن العبری، ۱۹۹۲: ۲۳۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۳/۴۵؛ ابن العماد الحنبلی، ۱۴۰۶: ۷/۸۴) جو حاکم بر مراکز آموزشی آنان نیز به این صورت بود و علاوه بر طرد علوم عقلی و فلسفی، اختصاص این مراکز به یک فرقه و مذهب خاص از ویژگی‌های سیستم آموزشی عباسیان بود. برای نمونه نظام‌الملک شافعی‌مذهب، مدارس خود را به طلاب و اساتید شافعی وقف نمود و این مطلب را در وقف‌نامه آن قید کرد. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶/۳۰۴) در واقع شافعی بودن شرط ورود به این مدرسه بود و این امکان برای دیگر ادیان و همچنین دیگر مذاهب اسلامی وجود نداشت که بتوانند از تسهیلات فراوان این مدارس بهره ببرند. از این رو دانشمندان بسیاری از حضور در این مرکز محروم می‌شدند. برای نمونه فصیحی استرآبادی به خاطر اقرار به تشیع از تدریس در نظامیه محروم شد. (الحموی، ۱۹۹۳: ۵/۱۹۶۴) همچنین دانشمندی مانند کیاهراسی که متهم به کیش باطنی شد و تنها با وساطت و شهادت خلیفه المستظهر بالله و جمعی از علما به پاکی اعتقاد وی، از مرگ خلاصی یافت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۰/۳۲۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۴/۳۵؛ سبکی، بی تا: ۷/۲۳۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۲/۱۶۲)

کتابخانه‌ای که الحاکم فاطمی تأسیس کرد، در عصر خود بزرگترین کتابخانه دنیای اسلام محسوب می‌شد و یکی از عجایب جهان به شمار می‌رفت که در دربار هیچ پادشاهی شبیه به آن وجود نداشت. (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹) با این حال مردم بدون محدودیت و بدون هیچ تمایزی در مقام و جایگاه از این کتابخانه استفاده می‌کردند.

(مقریزی، ۱۴۱۸: ۳۷۹ / ۲) این اقدام علاوه بر اینکه خدمتی برای مطالعه و تدریس و تألیف بود، (رزق الله ایوب، ۱۹۹۷: ۱۷۱)، موجب برآورده شدن نیازهای نخبگان داخلی و خارجی می‌شد. از این طریق هم گرایش نخبگان داخلی به خروج از قلمرو کاهش می‌یافت و هم میل نخبگان خارجی به مهاجرت به قلمرو فاطمی فزونی می‌گرفت. چراکه تسهیلات رفاهی نیز بدون محدودیتی در اختیار مراجعه کنندگان قرار داشت. اختصاص دادن مستمری و محل اسکان برای طلاب در عصری که طالبان علم برای کسب دانش، با سختی‌های فراوانی مواجه بودند و در کنار تحصیل علم، برای تأمین مخارج خود ناچار به کار کردن بودند، می‌توانست جاذبه‌ای قابل توجه برای طالبان علم باشد. (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۲۸)

شمار رواق‌هایی که پیش از این به آنها اشاره شد و تنوع ملیت‌های ساکن در آن، نشان از توفیق فاطمیان در جذب طلاب خارجی است. رقبای فاطمیان نیز با مشاهده موفقیت آنان در این حوزه شروع به تأسیس اماکن مسکونی در کنار مدارس برای طلاب نمودند؛ که نظامیه بغداد از آن جمله‌اند. (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۴۱)

تا پیش از سده چهارم هجری در مورد تأمین رایگان محل اقامت برای دانشجویان، گزارشی وجود ندارد. نخستین اقدام در این مورد مربوط به امام محدث ابوحاتم بن حبان بستی (۳۵۴هـ.ق) است. (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۴۰) وی برای طلاب غریبی که نزد وی حدیث و فقه می‌آموختند، با هزینه شخصی، محلی برای اقامت و خوراک و مخارج روزانه تدارک دید. (الحموی، ۱۹۹۳: ۳۲۸ / ۱) مراکز آموزشی اندلس نیز فاقد امکانات رفاهی برای دانشجویان بودند و تا پیش از تأسیس دولت نصیری در غرناطه نیز مدارس آن فاقد برنامه بودند. (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۴۳) در این شرایط اولین گزارشی که در خصوص پرداخت حقوق به استاد از جانب حکومت آمده، در سرزمین مصر و در عصر فاطمیان بوده است. (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۲۴)

همچنین درباره استخدام و جذب علمای شهیر و برجسته در مراکز آموزشی فاطمیان باید چنین اذعان داشت که امروزه نیز نیروی انسانی متخصص و ماهر جزو سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود که تعداد آنان اثر مستقیمی بر پیشرفت آن جامعه دارد و در حوزه آموزش نیز جذب افراد نخبه و متبحر در هر زمینه علمی نه تنها موجب تقویت بنیه نظام آموزشی، بلکه موجب ارتقا سطح جامعه می‌شود.

به طوری که تعداد محققین شاخصی برای ارزیابی بازدهی نظام آموزشی است. (فاطمی امین، ۱۳۹۱: ۱۴۱). از این رو توانمندی نخبگان علمی روند توسعه کشور را افزایش می‌دهد. (صحبتی نیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۷۴)

علاوه بر این استادان و نخبگانی که در جامعه جهانی شناخته شده هستند، در جذب دانشجویان و نخبگان دیگر سرزمین‌ها مؤثر بوده و موجب ارتقاء وجهه سازمان محل فعالیت خود می‌شوند. چراکه گاه طلاب در پی استاد مورد علاقه خود هستند. بنابراین دانشگاه‌های محل فعالیت استادان مطرح، جاذب دانشجویان نخبه سرزمین‌های دیگر می‌شوند. (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۴: ۵۱)

در گذشته نیز یکی از مهمترین دلایل سفرهای علمی، دیدار استادان مشهور و بهره‌گیری از محضر آنان بود؛ زیرا بهره‌گیری مستقیم از محضر استاد، در تعالیم اسلامی بسیار مهم بود و دانشجو هیچگاه تنها به مطالعه آثار یک عالم بسنده نکرده و تلاش می‌نمود تا با دیدار استاد، به درستی مطالعات و دانسته‌های خود اطمینان حاصل کند. (غنیمه، ۱۳۶۴: ۲۷۰)

گرچه در اوایل دوران تألیف، شنیدن کتاب‌ها و نقل آن از استاد معروف و جاری بود، اما این مسئله در قرن چهارم که تضعیف روایات شروع شده بود، اهمیت بیشتری پیدا کرد. به طوری که محمد بن ابوبکر الصولی، (متوفی ۳۳۵) ادیب عصر عباسی، با اشاره به کتاب‌های فراوان خود، چنین می‌گفت: «هذه الكتب كلها سماع». (رافعی، ۱۳۲۹: ۱/۱۹۴) در واقع هر کتابی توسط استادی برجسته، طالبان آن، هم برای انتساب به آن استاد و هم برای اطمینان از صحت اسناد و نسبت آن کتاب در محضر آن استاد حاضر می‌شدند. (رافعی، ۱۳۲۹: ۱/۱۹۴؛ غنیمه، ۲۷۶) ابن خلدون نیز رفع اشتباهاتی را که ممکن است متعلم در مسیر تعلیم دچار شود، تنها در بهره‌گیری مستقیم از مجالس درس اساتید دانسته، و تعالیمی را که طلاب از این طریق کسب می‌کنند محکم‌تر و راسخ‌تر می‌داند. از این رو طالبان علم را برای تقویت دانش خود به سفر و حضور مستقیم در محضر استاد، تشویق می‌کند. (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱۱۴۶/۲ - ۱۱۴۵)

برای نمونه با ورود محمد بن سلیمان معروف به ابی بکر النعال (متوفی ۳۸۰) به مصر که ریاست مالکیان را بر عهده داشت، طالبان فراوانی برای بهره‌گیری از محضر وی به مصر آمدند و چنان حلقه درس وی شلوغ بود که تا ستون هفدهم مسجد جامع پیراز

طلاب بود. (المنای، ۱۱۱۹: ۱۱۱) علی بن عبدالرحمن بن یونس، (۱۰۰۹/۳۹۹) منجم شهیر با خدمت در دربار فاطمیان و با نامیدن ذیح خود به ذیح الحاکمی (المنای، ۱۱۱۹: ۳۱۹ و ۳۲۰)، شهرت و اعتبار فراوانی برای قاهره و دربار فاطمی به دست آورد و خود موجب جذب تعداد بسیاری از دوستانان نجوم به این سرزمین شد. (جرجی زیدان، ۱۹۲۶: ۳/۲۰۵)

۲. آشنایی طلاب سایر سرزمین‌ها با فرهنگ و آئین اسماعیلی

به عقیده سیاست‌گذاران اجتماعی، یکی از راه‌های پذیرش فرهنگ و ارزش‌های یک ملت در جامعه جهانی، بین‌المللی و بین فرهنگی شدن آموزش عالی و دانشگاه‌های آن ملت است. به طوری که اگر مراکز آموزشی یک کشور مورد توجه و رجوع محققین و دانشجویان خارجی قرار گیرد، نه تنها این مراکز بلکه فرهنگ آن ملت نیز در عرصه بین‌الملل، به عنوان یک کنشگر فعال و مثبت مورد توجه قرار می‌گیرد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۴: ۲۹) از نظر فرهنگی مهمترین کارکرد این فرایند، گسترش ارزش‌ها و اصول فرهنگ ملی کشورها در عرصه بین‌المللی و ارتقای هویت ملی آنان است. (قلاوندی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۰)

همگانی بودن مرکز آموزشی الازهر (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹) که موجب جذب تعداد بیشتری از طلاب شد (داج، ۱۳۶۷: ۱۳) و همچنین آزادی حضور طلاب و روشنفکران و عالمان از هر عقیده‌ای در دارالعلم (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹)، و دعوت از دانشمندان مذاهب اهل سنت برای مناظره و تدریس (ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۵/۱۷۵؛ مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹) مانند حافظ عبدالغنی بن سعید (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۳۷۹) و ابو اسامه جناده بن محمد النحوی (ابن خلکان، بی تا: ۱/۳۷۲)، توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که این مراکز که مجهز به امکانات آموزشی و علمی فراوانی بودند و علاوه بر آزادی حضور عموم در آن و بهره‌برداری از امکانات آن، خود نیز به دعوت علما و دانشمندان فرق مختلف اقدام می‌کردند. در واقع مرکز تبلیغات دینی خلافت فاطمیان بود. (قلقشندی، بی تا: ۳/۴۱۳)

دارالعلم دفتر کار داعیان، محل برنامه‌ریزی امور دعوت، محل شور و مذاکره داعی‌الدعات با فقها، محل برگزاری مجالس الحکمه و جلسات مباحثه و محل تحصیل مبلغان اسماعیلی بود. (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۲۵۸) داعیان نخبه‌ای همچون ناصر خسرو و حسن صباح در این مرکز تعلیم دیده‌اند و مؤید فی‌الدین شیرازی به عنوان داعی‌الدعات در این مرکز تدریس می‌-

کرد. خلاصه اینکه دارالعلم فاطمیان هم مرکز علمی و هم جایگاه دعوت بود. (سیف آزاد، ۱۳۶۸: ۳۷)

حال فراهم کردن زمینه‌ی حضور عموم مردم و همین‌طور علما و دانشمندان سایر فرق در این مرکز و همچنین ایجاد فضای باز برای مناظره با فرق مختلف، مطمئناً یکی از مهمترین ابزارهای معرفی آئین اسماعیلی بود. در واقع دارالعلم به مثابه یک مؤسسه آزاد برای جذب طبقات روشنفکر به آیین اسماعیلی به ویژه علمای تسنن که برجسته‌ترین عامل مقاومت در برابر تشیع اسماعیلی بودند، عمل می‌کرد. (العش، ۱۳۷۲: ۱۱۲) چراکه نرمش این علما نسبت به تشیع اسماعیلی و پذیرش متون این مذهب، می‌توانست اثر بسزایی در اشاعه مذهب اسماعیلی و به تبع قدرت فاطمی، نه تنها در مصر بلکه در سطح جهان اسلام داشته باشد. (بادکوبه هزاوه و فضلی، ۱۳۸۷: ۳۶)

خلافت فاطمی از دارالحکمه به عنوان ابزاری برای تحقق دعوت دینی و فلسفه پیچیده خود استفاده می‌کرد. (عبدالله عنان، ۱۴۰۴: ۲۶۴). مکانی که در آن نخبگان و علمای مشهوری نیز از فرق و مذاهب گوناگون حضور داشتند و این مسئله خود موجب آشنایی آنان با مباحث و آموزه‌های اسماعیلی می‌شد. حتی اگر که علاقه‌ای به آموختن آن نداشتند، حضور آنان در آن مرکز ناگزیر آنان را در معرض آشنایی با این مذهب قرار می‌داد. به طوری که برخی طلاب خارجی در این مراکز، به این کیش علاقمند شده و با تبحری که داعیان فاطمی داشتند جذب آن می‌شدند و سپس بر اساس توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و نیز علاقه و تعهدی که به این کیش داشتند، انتخاب شده و پس از تعلیمات فشرده، به عنوان مبلغان و داعیان فاطمی به وطن خود باز می‌گشتند تا مأموریت خود را انجام دهند. (جمال، ۱۳۸۲: ۳۳) اهمیت آشنا نمودن طلاب سایر سرزمین‌های اسلامی با آموزه‌های اسماعیلی برای فاطمیان زمانی نمایان‌تر می‌شود که تلاش آنان را در برگزاری مجالسی برای مسافرانی که از مصر می‌گذرند را نیز مشاهده کنیم. (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲/۲۵۹) یعنی فاطمیان حتی تلاش دارند تا از فرصت این عابران برای معرفی آئین و اندیشه‌های خود و به دنبال آن گسترش آن در دیگر سرزمین‌ها بهره برده و از آن غافل نمانند.

۳. آشناکردن مبلغان با نیازهای فرهنگی و فکری جوامع مختلف پیش از مأموریت

جان دیویی، فیلسوف آمریکایی، معلم موفق را فردی با دانش فرهنگی و احساس

همکاری میان فرهنگی می‌دانست و همواره به یادگیری دانش بین فرهنگی و تجربه مستقیم فرهنگ‌های دیگر توسط معلمان تأکید داشت. (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۴: ۴۶) باید اذعان داشت که «یادگیری فرهنگی معنای گسترده‌ای دارد و از یادگیری زبان و لهجه بومی تا آشنایی با روابط و رفتارهای اجتماعی و کنش‌های فرهنگی و عاطفی فرهنگ و مردم میزبان متغیر است». (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۴: ۴۶)

پژوهشگران حضور دانشجویان از فرهنگ‌های مختلف را در دانشگاه‌ها، موجب افزایش تجربه یادگیری فرهنگی و اجتماعی اعضای آن می‌دانند و معتقدند فواید آموزش عالی بین‌المللی نه تنها متوجه دانشجویان خارجی است، بلکه دانشجویان بومی در بعضی زمینه‌ها بیشتر منتفع می‌شوند؛ به طور مثال کسب آگاهی‌های فرهنگی و تجارب بین‌المللی برای آنان، بدون ترک موطن خود، میسر می‌شود. (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۶)

از آنجا که پیشبرد اهداف خلافت فاطمی و اندیشه‌های اسماعیلی همواره در محیطی خصمانه و با فرهنگی متفاوت بود، داعیان فاطمی برای برقراری ارتباط با مردم و به خصوص اندیشمندان دیگر نقاط، می‌بایست مؤلفه‌های فرهنگی به ویژه زبان محلی و علوم و مذاهب و حتی ویژگی‌های شخصیتی مردم سرزمینی را که محل مأموریت و فعالیتشان است بدانند. (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۵۳) در متون اسماعیلیه به ویژه آن دسته که به منظور تربیت و تعلیم داعیان به نگارش درآمده لزوم بهره‌مندی مبلغان از این ویژگی‌ها قید شده است. به طوری که نیشابوری در رساله «الموجزة الکافیة فی آداب الدعاة» خطاب به این مبلغان چنین بیان داشته است: «شایسته است که هر داعی که به هر جزیره‌ای فرستاده می‌شود، زبان اهل کل جزیره را بداند همان طور که خدا می‌فرماید: «و ما هیچ رسولی میان قومی نفرستادیم مگر به زبان آن قوم تا بر آنها (معارف و احکام الهی) را بیان کند». (ابراهیم، ۴) تا داعی به زبان خود آن مردم، حق را برای آنها بیان نماید و معلوماتش را به فهم آنان نزدیک کند». (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۵۳).

علاوه بر یادگیری زبان، شناخت دیگر وجوه فرهنگی هر جزیره نیز برای مبلغ الزامی بود؛ به طوری که نیشابوری در ادامه می‌گوید: «شایسته است داعیان کل جزایر به مذاهب و علوم اهل این جزایر آشنا باشند؛ همچنین به ویژگی‌های شخصیتی مردم آنجا و به علوم و افکاری که این مردم نسبت به آن میل دارند نیز آگاهی داشته باشند تا بتوانند به مناظره و مکاسره با آنان بپردازند و علم و آموزه‌هایی را که ارائه می‌دهند از آنان قبول کنند». (حامدی

همدانی، ۲۰۱۲: ۱۵۳) وی در ادامه، نداشتن این مهارت‌ها را موجب شکست داعی در مأموریت خود دانسته و این شکست چنان برای دعوت اسماعیلی زیان‌بار بود که به قول نیشابوری داعی آرزو می‌کرد همچون یونس توسط ماهی بلعیده شود؛ زیرا موجب ضرر و زیان به مذهب شده و خلل بزرگی به آن وارد کرده است. (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۴۶-۱۴۷) بنابراین تجهیز مبلغ فاطمی به مهارت‌های میان‌فرهنگی، از الزاماتی بود که می‌بایست پیش از مأموریت انجام شود.

آنها که می‌بایست در محیط‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی متنوع و متفاوت و در بیشتر مواقع متخاصم فعالیت می‌کردند، با ارتباط با افراد بومی، درک بیشتری از فرهنگ، مذاهب و نظام سیاسی سایر ملل پیدا کرده و در نتیجه سازگاری آنان با فرهنگ‌های ناآشنا بیشتر شده، مأموریت خود را به بهترین روش انجام می‌دادند. در واقع آنان در فرایند آماده-سازی خود برای رویارویی با فرهنگ‌ها و ملل مختلف به‌ویژه در محیط‌های رقابتی از طریق این طلاب خارجی به کسب آگاهی‌های چند فرهنگی و مهارت‌های ارتباطی بین‌فرهنگی می‌پرداختند.

۴. تربیت و آموزش داعیان متخصص و متعهد به منظور فعالیت در خارج از قلمرو

روشن است که تعلیم و آموزش دیگران کاری حساس و دشوار است و نیاز به علم، مهارت و شایستگی دارد. از آنجا که موفقیت و کارایی خلافت فاطمی در دستان داعیان بود و آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف این خلافت به‌ویژه در خارج از قلمرو فاطمی داشتند، اهمیت انتخاب و سپس تعلیم آنان درخور توجه است. بنابراین در نظام دعوت فاطمی آموزش‌های تخصصی کاربردی برای داعیان جزء اولویت‌های خلافت فاطمی محسوب می‌شد. بر این اساس آنان بخش بزرگی از فعالیت‌های آموزشی خود را صرف تعلیم و تربیت داعیان ماهر و بهبود شرایط دعوت می‌کردند. چراکه کارآمد بودن نیروی انسانی موفقیت و پیشبرد اهداف را تضمین می‌کرد و جذب بیشتر مخاطبین وابسته به نیروی کار باصلاحیت و آموزش‌دیده بود. بنابراین ارتقای مهارت‌های مبلغین که وظیفه آموزش عموم مردم را به‌ویژه در خارج از قلمرو بر عهده داشتند، بسیار ضروری می‌نمود.

منابع اصیل اسماعیلی به‌ویژه آن دسته که ویژه تعلیم داعیان است، بر این مسئله اذعان دارند که یک داعی اسماعیلی در کنار آموزه‌های اسماعیلی، باید جامع علوم را تحصیل کند و

از این طریق خود را برای امر خطیر دعوت در قلمرو دشمن تجهیز کند. وی باید علاوه بر تبحر در علوم دینی، سایر علوم از جمله تاریخ و جغرافیا و فلسفه و... را نیز بداند و آمادگی مباحثه در هر زمینه علمی با هر دانشمندی را داشته باشد. (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۳۷-۱۳۹) داعی باید بتواند در مقام یک قاضی، فقیه، طبیب، مجاهد، منجم، زارع، تاجر و یا هر شغل و صنعت دیگری ایفای نقش کند. (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۴۳-۱۴۴)

برخوردراری از این درجه از علم و کمالات به خاطر جایگاه حساس داعی در دستگاه تبلیغاتی فاطمیان بود. اندیشمندان فاطمی تلاش می نمودند تا حساسیت جایگاه داعی را به وی گوشزد کرده و ایشان را به کسب فضائل، علوم و مهارت‌های لازم سوق دهند. برای نمونه نیشابوری در رساله خود که همه کارگزاران دعوت را مورد خطاب قرار داده، با آوردن آیات قرآن تلاش می کند تا با نشان دادن جایگاه والای داعیان، اشتیاق را در آنان برانگیزد تا برای کسب دانش تلاش نمایند. (کلم، ۱۳۸۳: ۷۹) وی با جستجوی ماده «دعو» در قرآن، آیاتی که این فعل را به خداوند و پیامبر منسبت داده‌اند بهره گرفته است؛ از جمله: لـه دعوه الحق (رعد، ۱۴) و -و الله یدعو الی دار السلام (یونس، ۲۵) و -إنا ارسلناک شاهداً و مبشراً و... (احزاب، ۴۵-۴۶) وی تلاش دارد تا با داعی خواندن خداوند و پیامبر، جایگاه داعی را جایگاهی والا و ارزشمند نشان دهد و در نتیجه مبلغان فاطمی را به رقابت با یکدیگر تحریک و ترغیب کند. وی پیامبران گذشته را داعیانی می نامد که به عنوان انبیا شناخته می شدند. (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۳۰)

نیشابوری در ادامه تلاش می کند تا خطرات عدم کسب مهارت و علم کافی در این حوزه را به داعیان یادآور شده و با بیان خطرات آن لزوم بهره‌مندی داعی از علم و دانش را نشان دهد. وی با استناد به آیاتی از جمله آیه ۱۲۵ سوره نحل -ادْعُ اِلٰی سَبِيْلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۗ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ، آگاهی نسبت به علم ظاهر و باطن، حکمت، موعظه حسنه، مجادله و مناظره و مکاسره را از الزامات مقام داعی می داند و چنین بیان می کند: « هر کس که نور علم از او ساطع نشود به گونه‌ای که مستجیب به واسطه نور علم آن راه یابد، جایز نیست که داعی باشد». (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۳۳-۱۳۴) او داعیانی را که آموزش لازم در این حوزه ندیده‌اند و علم و حکمت و آداب دعوت ندارند را مایه فساد جامعه و در نتیجه رویگردانی مردم از شریعت و رواج شک و تردید و اباحی‌گری و غلو معرفی می کند؛ که خود موجبات نفوذ و تسلط دشمن را فراهم می آورد. (حامدی همدانی،

۲۰۱۲: ۱۳۱-۱۳۲) چراکه مخالفان و معاندان آنان به مرتبه والایی از دانش و تحقیق رسیده بودند و دعوت و اصول عقایدی که داعیان فاطمی از آن طرفداری می‌کردند، در بسیاری جهات همانند اصول عقاید مخالفان خود و از نظر والایی و پیچیدگی اندیشه نیز همان اندازه فرهیختگی را داشتند؛ حتی بهتر از اصول عقاید معاندان خود بودند. پس در حقیقت خطر و تهدید جدی برای آنان از ناحیه دانشمندترین افراد هر گروه بود. (واکر، ۱۳۷۹: ۶۲)

رسیدن یک مبلغ فاطمی به چنین جایگاهی که شایسته به دست‌گیری تبلیغ در حوزه‌های از قلمرو دشمن شود، امکانات و تسهیلات آموزشی نیرومندی را طلب می‌کرد. داعیان فاطمی پیش از آنکه برای تبلیغ و پیشبرد اهداف سیاسی-مذهبی فاطمیان به خارج از قلمرو اعزام شوند، در مراکز آموزشی پایتخت فاطمی همچون دارالعلم و الازهر آموزش می‌دیدند. برای تعلیم این داعیان اساتیدی متبحر و کارآموده به کار گرفته می‌شد که مرحله به مرحله آنان را آموزش داده و در طی مراحل آموزش آنان را آزمایش می‌کردند تا به درجه حجت برسند. (حامدی همدانی، ۲۰۱۲: ۱۶۱)

در این زمینه می‌توان به ناصر خسرو اشاره نمود؛ هر چند وی هیچ اشاره‌ای به مراحل آموزش خود در قاهره نمی‌کند، اما در اشعار و سروده‌های ناصر خسرو به خوبی اثر استاد برجسته دارالعلم فاطمی، المؤید فی الدین شیرازی، در جذب و تعلیم وی نمایان است. (ناصر خسرو، ۱۳۵۷: ۵۱۳-۵۱۴) آموزشی که در نهایت ایشان را به مرتبه حجت رسانید و به سوی سرزمین دشمن گسیل داشت. ناصر خسرو در مراکز آموزشی فاطمیان چنان آموزش دیده بود که به یک مبلغ متبحر و توانا تبدیل شد و توانست در قلمرو خلافت عباسی پیروان بسیاری را برای خلافت فاطمی جذب نماید. (ابوالمعالی، ۱۳۷۶: ۷۳)

همچنین می‌توان به لمک بن مالک، قاضی القضاات یمن، اشاره کرد. وی که به فرمان علی بن محمد صلیحی به قاهره آمده بود، در دارالعلم و زیر نظر المؤید فی الدین شیرازی آموزش دید و به مدت پنج سال از ایشان علوم مختلف را فراگرفت و سپس به یمن بازگشت و دعوت طیبی‌های یمن را رهبری کرد که به دعوت بهره شهرت دارد. (همدانی، ۱۳۰۵: ۱۷۵-۱۷۷؛ ایمن فواد سید، ۱۴۰۸/۱۹۸۸: ۱۳۷) این مبلغ کارآموده مراکز آموزشی فاطمیان نیز در گسترش آیین و عقاید اسماعیلیه در خارج از قلمرو خلافت فاطمی بسیار اثرگذار بود؛ به طوری که وی با هدایت المؤید توانست دعوت اسماعیلی را در شبه قاره هند نیز سامان دهد. در آنجا هنوز جوامع بهره‌های اسماعیلی گجرات، بمبئی، و بعضی از مراکز

شهری دیگر در هند و پاکستان و نیز در آفریقای شرقی که بهره‌های هندی بدانجا کوچیده- اند، ادامه دارد. (همدانی، ۱۳۰۵: ۲۲۲-۲۲۷؛ ایمن فواد سید، ۱۴۰۸/۱۹۸۸: ۱۳۷)

از دیگر افرادی که می‌توان به آنها اشاره کرد، حسن صباح است. وی که توسط داعیان اسماعیلی به نام‌های امیره ضراب و ابونصر سراج با کیش اسماعیلی آشنا و بدان جذب شده بود، به خاطر استعداد و توانایی خود توجه عبدالملک عطاش، رهبر اسماعیلیه ایران، را به خود جلب نمود و به توصیه ایشان برای آموزش بیشتر در سال ۴۶۹ هجری به مصر رهسپار شد. حسن صباح که به مدت سه سال در مصر ماند، در سال ۴۷۳ هجری به اصفهان بازگشت و به عنوان یک داعی توانمند اسماعیلی فعالیت خود را آغاز نمود و تا سال ۴۸۷ هجری، زمان وفات مستنصر بالله و نزاع بر سر جانشینی نزار و مستعلی، در خدمت فاطمیان به نشر دعوت اسماعیلی در سرزمین دشمن همت گماشت. وی پس از آن نیز با آغاز دعوتی جدید و مستقل از خلافت فاطمی و به جانب‌داری از خلافت نزار به فعالیت خود ادامه داد. (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۸۷/۳-۲۱۴؛ رشیدالدین فضل الله، ۱۳۸۷: ۹۸-۱۳۳)

نتیجه

فاطمیان جدای از اعزام مبلغ به خارج از کشور، با تأسیس مراکز آموزشی فراگیر و تأمین تسهیلات رفاهی و آموزشی در این مراکز، آزادی استفاده از این امکانات برای عموم، جذب و استخدام اساتید و علمای برجسته و ایجاد فضای آزاداندیشی علمی و مذهبی، بستری فراهم آوردند که طلاب خارجی را به سرزمین مصر می‌کشاند. آنان با این اقدامات علاوه بر خدمت به علم و فرهنگ اسلامی و فراهم آوردن زمینه رشد علوم اسلامی و تقویت آن، وجهه خود به عنوان حامیان علم و فرهنگ در جامعه جهانی اسلام را بالا برده و خود را به عنوان پناهگاه دانشمندان معرفی کردند. علاوه بر این، عملکرد آموزشی فاطمیان موجب آشنا شدن قشر تحصیلکرده با آیین و آموزه‌های اسماعیلی می‌شد. فاطمیان به طور مستقیم و غیر مستقیم طلبان دانش را آموزش می‌دادند و از این راه دیدگاه‌ها و نظرات خود را در میان اقوام و گروه‌های مختلف پیاده می‌کردند. آنان همچنین بستری فراهم کردند تا داعیان شان با فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف سرزمین‌های اسلامی برای انجام مأموریت در خارج از قلمرو آشنا شوند؛ زیرا دولت فاطمی برای موفقیت در گسترش و نهادینه کردن عقاید و آموزه‌های خود و معرفی آن به دیگر جوامع نیازمند نیروی کار آموزش دیده و آگاه به فرهنگ‌ها و مذاهب

مختلف بود. فراهم نمودن امکانات آموزشی موجب تربیت و تجهیز داعیانی می‌شد که وظیفه گسترش قدرت سیاسی و مذهبی فاطمیان را در خارج از قلمرو بر عهده داشتند.

منابع

۱. ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، (۲۰۰۱)، *عیون الأنباء فی طبقات الأطباء*، تحقیق عامر نجار، قاهره، الهیئه المصریه العامه للكتاب.
۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، (۱۳۸۵ / ۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
۳. ابن العبری، یوحنا غریغوریوس الملطی، (۱۹۹۲)، *تاریخ مختصر الدول*، تحقیق انطون صالحانی الیسوعی، بیروت، دارالشرق.
۴. ابن العماد الحنبلی، ابوالفلاح عبدالحی بن احمد، (۱۴۰۶ / ۱۹۸۶)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، تحقیق الأرناؤوط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر.
۵. ابن تغری بردی، یوسف، (بی تا)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، مصر، وزاره الثقافه الارشاد القومی، الموسسه المصریه العامه.
۶. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۴۱۲ / ۱۹۹۲)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۷۵)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۸.، (۱۴۰۸ / ۱۹۸۸)، *دیوان المبتداء و الخبر فی تاریخ العرب و البربر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.
۹. ابن خلکان، احمد بن محمد، (بی تا)، *وفیات الاعیان و أنباء أبناء الزمان*، محقق احسان عباس، بیروت، دارصادر.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ / ۱۹۸۶)، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر.
۱۱. ابوالمعالی، محمد بن نعمت، (۱۳۷۶)، *بیان الادیان*، تصحیح محمدتقی دانش پژوه با همکاری قدرت الله پیشنمازاده، تهران، مجموعه انتشارات ادبی

- تاریخی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
۱۲. جعفری معطر، فریدون، (۱۳۸۷)، *مهاجرت نخبگان* (بررسی زمینه‌های مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان نخبه به مهاجرت از کشور)، چاپ اول، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۳. جمال، نادیا، (۱۳۸۲)، *بقای بعد از مغول: نزاری قهستانی و تداوم سنت اسماعیلیه در ایران*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
۱۴. جوینی، عطاملک بن محمد، (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانگشای*، تصحیح محمد قزوینی، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
۱۵. حامدی همدانی، حاتم بن ابراهیم، (۲۰۱۲م)، *رساله تحفه القلوب و فرجه المکروب، او کتاب تحفه القلوب فی تربیت الهداه و الدعاه فی جزیره الیمن*، تحقیق عباس همدانی، بیروت، دارالساقی، معهد الدراسات الاسماعیلیه.
۱۶. الحموی، یاقوت، (۱۹۹۳)، *معجم الادباء*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۱۷. (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر.
۱۸. خفاجی، محمد عبدالمنعم، (۱۴۰۸ / ۱۹۸۸)، *الازهر فی الف عام*، بیروت، عالم الکتب.
۱۹. داج، بایارد، (۱۳۶۷)، *دانشگاه الازهر: تاریخ هزار ساله تعلیمات عالی اسلامی*، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۰. دفتری، فرهاد، (۱۳۷۶)، *تاریخ عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزانه روز.
۲۱. ذاکر صالحی، غلامرضا، (۱۳۹۵)، *آموزش عالی و جذب دانشجویان خارجی*، تهران، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۲۲. ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۳ / ۱۹۹۳)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۳. ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۴)، *سیر اعلام النبلاء*، محقق شعیب

- ارناووط، بیروت، موسسه الرساله.
۲۴. رافعی، مصطفی صادق، (۱۳۲۹ / ۱۹۱۱)، *تاریخ آداب العرب*، دارالکتاب العربی.
۲۵. رزق الله ایوب، ابراهیم، (۱۹۹۷)، *التاریخ الفاطمی الاجتماعی*، بیروت، الشركه العالمیه للکتاب.
۲۶. رشاد، محمد، (۱۳۷۳)، *جنگ‌های صلیبی*، تهران، نشر اندیشه.
۲۷. رفیعی علامرودشتی، علی، (۱۳۹۴)، *شیفتگان کتاب*، تهران، خانه کتاب.
۲۸. زیدان، جرجی، (۱۹۲۶)، *تاریخ التمدن الاسلامی*، مصر، مطبعه الهلال.
۲۹. سبکی، عبدالوهاب بن علی، (بی تا)، *طبقات الشافعیه الکبری*، تحقیق محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد حلو، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
۳۰. سیف آزاد، عبدالرحمن، (۱۳۶۸)، *تاریخ خلفای فاطمی*، تهران، دنیای کتاب.
۳۱. صفا، ذبیح الله، (۲۵۳۶)، *خلاصه تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران تا پایان عصر صفوی*، تهران، امیرکبیر.
۳۲. طرازی، فیلیب دی، (بی تا)، *خزائن الکتب العربیه فی الخافقین*، بیروت، دارالکتب اللبنانیه.
۳۳. عبدالله عنان، محمد، (۱۴۰۴ / ۱۹۸۳)، *الحاکم بامرالله و اسرار دعوه الفاطمیه*، قاهره، مکتبه الخانجی بالقاهره.
۳۴. العش، یوسف، (۱۳۷۲)، *کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی (بین النهرین، سوریه، مصر)*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۵. عطاالله، خضر أحمد، (بی تا)، *الحیاه الفکری فی مصر فی العصر الفاطمی*، قاهره، دارالفکر العربی.
۳۶. غالب، مصطفی، (۱۹۵۳)، *تاریخ دعوه الاسماعیلیه منذ اقدم العصور حتی عصرنا الحاضر*، قدم له محمد شاه علی ثالث، سوریه، دارالبیظه العربیه للتألیف و الترجمه و النشر.

۳۷. غنیمه، عبدالرحیم، (۱۳۶۴)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نوراله کسائی، تهران، انتشارات یزدان.
۳۸. فضل الله همدانی، رشیدالدین، (۱۳۸۷)، *جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)*، مصحح محمد روشن، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۳۹. فؤاد سید، ایمن، (۱۴۰۸ / ۱۹۸۸)، *تاریخ المذاهب الدینیة فی بلاد الیمن حتی نهایه القرن السادس الهجری*، القاہرہ، الدار المصریہ اللبنانیہ.
۴۰. قفطی، علی بن یوسف (۱۳۷۱)، *تاریخ الحکما*، گردآورنده بهین دارایی، تهران، دانشگاه تهران.
۴۱. قلقشندی، احمد بن علی، (بی تا)، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، بیروت- لبنان، دارالکتب العلمیہ، منشورات محمد علی بیضون.
۴۲. کسائی، نورالله، (۱۳۵۸)، *مدارس نظامیہ و تأثیرات علمی اجتماعی آن*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره.
۴۴. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸هـ / ۱۹۹۸). *المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار*، وضع حواشیه خلیل المنصور، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۴۵. (۱۴۱۶هـ / ۱۹۹۶)، *اتعاظ الحنفا بأخبار الائمة الفاطمیین الخلفا*، تحقیق جمال‌الدین الشیال، قاہرہ، لجنه إحياء التراث الاسلامی.
۴۶. مقریزی، احمد بن علی، (۱۳۹۷)، *پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر؛ ترجمه الخطط مقریزی*، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۷. المناوی، محمد حمدی، (۱۱۱۹)، *الوزاره و الوزراء فی العصر الفاطمی*، مصر، دارالمعارف.
۴۸. ناصر خسرو، (۱۳۵۷)، *دیوان اشعار*، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی

- محقق، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، شعبه تهران.
۴۹. النویری، احمد بن عبدالوهاب، (۱۴۱۲ / ۱۹۹۲)، *نهایه الأرب فی فنون الأدب*، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیه، مرکز تحقیق التراث.
۵۰. واکر، پاول، (۱۳۷۷)، *ابویعقوب سجستانی، متفکر و داعی اسماعیلی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
۵۱. هالم، هاینس، (۱۳۷۷)، *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
۵۲. هانسبرگر، آلیس، (۱۳۸۰)، *ناصر خسرو و لعل بدخشان، تصویری از شاعر، جهانگرد و فیلسوف ایرانی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
۵۳. همدانی، حسین، (۱۳۰۵)، *الصلیحیون و الحركة الفاطمیة فی الیمن*، بالاشتراك مع حسن سلیمان محمود الجهنی، قاهره، مکتبه مصر.

مقاله

۱. بادکوبه هزازه، احمد، زینب فضلی، (۱۳۸۷)، «*عوامل ناکامی مراکز رسمی آموزشی- تبلیغی فاطمیان در گسترش مذهب اسماعیلی در مصر*»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۸۷، ۱۹-۴۴.
۲. جانعلیزاده چوب دستی، حیدر، اکبر علیوردی نیا، شیوا پورقازی، (۱۳۹۳)، «*بررسی جامعه شناختی تمایل به برو نکوچی نخبگان علمی*»، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۵۳-۱۷۸.
۳. حسن قلاوندی، محمد حسنی، زهرا مرادی، (۱۳۹۷)، «*تحلیل و ارزیابی جایگاه دانشگاه‌های کشور در شاخص‌های بین‌المللی سازی آموزش*»، مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۶، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۵۷-۱۷۴.
۴. خورسندی طاسکوه، علی، (۱۳۹۴)، «*تحلیل مبانی نظری و اهداف بین‌المللی شدن آموزش عالی*»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هفتم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۴.
۵. صحبتی نیا، فریبا، حمیدرضا جمالی مهموئی و یزدان منصوریان، (۱۳۹۲)،

«مطالعه علم سنجی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا»،
تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، دوره ۴۷، شماره ۳،
صص ۲۷۳-۲۸۶.

۶. فاطمی امین، زینب، (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی رابطه میزان توسعه یافتگی با
بازدهی نظام آموزشی در میان کشورهای جهان»، مجله علوم اجتماعی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پائیز و زمستان
۱۳۹۱، صص ۱۳۵-۱۵۵.

منابع لاتین

Definition approaches, and - Knight J. Internationalization remodeled
rationales comparative. International Development Education Center,
University of Toronto. Ontario Institute for Studies in Education. Toronto
۲۰۰۴.